



پژوهش نامه تبلیغ و ارتباطات دینی

سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

ارتباط عقلانی با اخلاق و حیانی؛ الگوی ارتباطی معلم با دانش آموزان از منظر آیت الله جوادی آملی^۱

سیدعباس حسینی^۲

چکیده

بر اساس اندیشه‌های آیت الله جوادی آملی و با استفاده از روش «تحلیل به مؤلفه‌های معنایی» در این مقاله الگوی ارتباط متعالی معلم با دانش آموزان مورد واکاوی قرار گرفته است. ایشان بر اساس جایگاه معلم و دانش آموز، بر این باورند که معلم با دو عنصر محوری «عقلانیت» و «صداقت» می‌تواند با دانش آموزان ارتباط مطلوب برقرار کند. عقلانیت در این الگو، اقتضا می‌کند که محتوای پیام ارتباطی معلم، علمی، یقینی، توحیدی، حق محور، صادق، مفید و متناسب با نیازهای دانش آموزان باشد. همچنین با توجه به مفهوم صداقت شایسته است معلم در نحوه ارائه پیام به دانش آموزان علاوه بر استفاده از علوم ادبی مثل فصاحت و بلاغت، اخلاق و ادب و حیانی را مراعات نماید یعنی در ارتباط با دانش آموزان ادب در گفتار، برخورد نرم، صبر بر ناملازمات و برخورد عادلانه داشته باشد و به تفاوت‌های فردی آن‌ها توجه کند و آن‌ها را به منزله فرزند خود تلقی کرد.

واژگان کلیدی: جوادی آملی، اخلاق و حیانی، معلم، دانش آموز، عقلانیت و صداقت.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

۲. دانش آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع)، هیئت علمی و عضوگروه تبلیغ و ارتباطات جامعه المصطفی العالمیه. S.a.hoseini۱۳۶۱@gmail.com

حسینی، سیدعباس، (۱۴۰۳)، ارتباط عقلانی با اخلاق و حیانی؛ الگوی ارتباطی معلم با دانش آموزان از منظر آیت الله جوادی آملی، پژوهش نامه تبلیغ و ارتباطات دینی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳، ص ۵۶-۳۱.

مقدمه

تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان درگرو تربیت انسان‌های عالم، متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق‌بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۸۶: ۷) اگرچه در چند دهه گذشته تلاش‌های وافر و قابل‌تقدیری از طرف مسئولان و متصدیان نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور به عمل آمده که خوشبختانه نتایج مثبت و مفیدی نیز بر جای گذاشته است؛ لیکن هنوز آموزش و پرورش با چالش‌های جدی روبرو است و برونداد آن در طراز جمهوری اسلامی ایران و پاسخگویی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نیست. در این پژوهش فارغ از ساختار حاکم بر نظام تعلیم و تربیت که خود بررسی مستقلی را می‌طلبد به رابطه دو رکن اساسی این نظام، یعنی معلم و دانش‌آموز پرداخته می‌شود تا با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، چراغ راهی برای پیمودن مسیر هدایت الهی در نظام آموزشی کشور باشد.

ارتباط مطلوب معلم با دانش‌آموزان می‌تواند در تحولات علمی، فرهنگی و دینی کشور سرنوشت‌ساز باشد و با ارتباط مطلوب، معلم می‌تواند رسالت سنگین خود را انجام دهد و دانش‌آموزان را از جهت معرفتی، رفتاری و اخلاقی تأمین و از گزند آسیب‌های فردی و اجتماعی حفظ کند. حال این ارتباط مطلوب، باید دارای چه مؤلفه‌هایی باشد تا معلم با استفاده از این الگوی ارتباطی بتواند تعاملی سازنده و مطلوب با دانش‌آموزان داشته باشد؟ به نظر می‌رسد شناخت جایگاه علم و رسالت و ویژگی‌های بایسته هر یک از طرفین ارتباط (معلم و دانش‌آموز) می‌تواند ما را در دستیابی به الگوی ارتباطی کمک کند. با شناسایی مؤلفه‌های معنایی هرکدام، محورهای اصلی ارتباط مشخص و الگوی ارتباطی مطلوب نیز به دست می‌آید؛ از آنجاکه ارائه الگوهای هنجاری بدون اعتناء به نظریه‌های تبیینی ناممکن بوده و تلاش هر یک از مکاتب فکری جدید حاکمیت هنجارهای خویش بر دیگر مکاتب است، لازم است الگوی ارتباطی مطلوب را در قالب یک مکتب فکری و فلسفی جامع و



کامل که مبتنی بر قرآن و برهان است بیان کنیم. برای تحقق این امر، دیدگاه‌ها و تفکرات شخصیت برجسته دینی استاد علامه حضرت آیت‌الله جوادی آملی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ تا بر اساس اندیشه ایشان مؤلفه‌های معنایی و هنجارهای حاکم بر هر یک از طرفین ارتباط (معلم و دانش‌آموز) شناسایی و در نتیجه یک الگوی ارتباطی - اسلامی جامعی ارائه شود.

برای دستیابی به چنین الگویی از روش تحلیلی (تحلیل - به مؤلفه‌های معنایی) (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۱۴۴-۱۴۵) استفاده شده است؛ به این معنا که ابتدا مؤلفه‌های معنایی، معلم و دانش‌آموزان در اندیشه آیت‌الله جوادی، استخراج و سپس با قرار دادن آن‌ها در کنار یکدیگر الگوی ارتباطی آن‌ها ارائه می‌شود. شایان ذکر است که بر پایه انسان‌شناسی ایشان، در ارتباطات انسانی سه الگوی ارتباطی متدانی، متعارف و متعالی (خان‌محمدی و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۱۹) مورد شناسایی واقع شده است که ارتباط معلم و دانش‌آموز در این پژوهش در راستای الگوی ارتباط متعالی (نه ارتباط متعارف و متدانی)، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی

در این بخش، مفاهیم کاربردی مقاله مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتند از:

۱. جایگاه معلم

از بهترین امتیازات جامعه بشری هنر معلمی است. معلم با تعلیم و نشر علم، انسان‌ها را به سوی کمال و پیشرفت سوق می‌دهد و عشق و ایمان را بر لوح جان و ضمیر پاک انسان‌ها ثبت می‌کند و ندای فطرت را در فضای عالم طنین‌انداز می‌کند. در حقیقت تمام ترقیات و کمالات انسان‌ها مدیون معلم است. اگر جایگاه علم و دانش از دیگر عبادت‌ها برتر است، فضیلت مقام علم و معلمی هم نسبت به مقام عبادت‌کنندگان باید برتر باشد؛ زیرا معلم هدایتگری است که در پرتو هدایت معنوی خود، جامعه را از تباهی می‌رهاند. در نظام تربیتی اسلام نقش معلم در شکل‌گیری شخصیت انسان، ساختار روانی و رفتاری او کلیدی است. بر اساس آیات قرآن می‌توان گفت که هنر شگفت معلمی از آن خداوند است و پس از او از آن پیامبران و آنگاه از آن معلمان جامعه است؛ اولین سوره‌ای که بر پیغمبر (ص)



نازل شده، به این حقیقت اشاره می‌کند: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ (علق: ۵-۱)؛ بخوان بنام پروردگارت که انسان را آفرید... همان که با قلم آنچه را انسان نمی‌دانست به او آموخت. در این آیات، خداوند، خود را معلم می‌خواند و معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده‌ترین و بهترین شاهکار خود (انسان) آورده است. بدین معنا، مقام معلمی خدا، بعد از مقام آفرینندگی او قرار دارد. قرآن، همچنین پیامبران را فرستادگان خداوند و دعوت‌کنندگان به نیکی‌ها معرفی کرده است. پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان مربی همه آدمیان، هدف رسالت خود را تعلیم و تربیت می‌داند. (شهیدثانی، ۱۳۶۹: ۲۲۸)

قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) را به‌عنوان معلم معرفی نموده و می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (جمعه: ۱ و ۲)؛ او (خدا) کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد از منظر آیت‌الله جوادی، می‌توان نقش معلم در جامعه را، در راستای رسالت و نقش پیامبران دانست و حرفه معلمی را هم‌تراز شغل پیامبران در نظر گرفت. چراکه پیامبر (ص) نیز خود را معلم می‌داند. آثار قلمی معلم بر خون شهید برتری داده می‌شود و نقش‌های معلم در متون دینی همان نقش پیامبری، یعنی روشنگری و هدایت مردم به‌سوی رستگاری و دفاع از مرزهای فرهنگی اسلام است. (داوودی، ۱۳۹۰)

شهیدثانی به‌عنوان یکی از اندیشمندانی که منسجم و مفصل به آداب تعلیم و تربیت پرداخته، در اولین وظیفه‌ای که برای معلم تعیین کرده چنین فرموده است: «کسی که می‌خواهد عهده‌دار منصب تعلیم گردد، باید قبلاً مراتب صلاحیت و شایستگی خویش را برای تصدی چنین مقامی در خود فراهم آورد و باید این شایستگی در تمام مظاهر وجود او پدیدار باشد؛ یعنی سیما و چهره و طرز سخن گفتن و گفتارش نمایانگر اهلیت و شایستگی او برای احراز مقام تعلیم باشد.» (شهیدثانی، ۱۳۶۹: ۲۲۸) ابن‌خلدون نیز در بیان انتظارات



خود از این قشر می‌گوید: «از معلم انتظار نداریم که فقط مدرس باشد بلکه بیش از آن توقع داریم که سرمشق خوبی برای محصلان باشد.» (شعاری نژاد، ۱۳۷۷: ۴۰۳) غزالی نیز به نقش تربیتی و روشنگری معلم بیشتر پرداخته و به نقش الگویی و اسوه بودن معلم، سندیت و اقتدار او توجه و تأکید نموده است. خواجه‌نصیرالدین طوسی نیز بر محبت و مهرورزی معلم به‌عنوان شیوه مؤثر تعلیم و تربیت تأکید نموده و او پس از محبت ذاتی انسان به خدای سبحان، محبت والدین به فرزند و محبت معلم به دانش‌آموز را برترین محبت‌ها دانسته است. (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۹ به نقل از مهدوی هزاوه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۹)

در اندیشه آیت‌الله جوادی، نیز فلسفه وجودی معلمی، تداوم راه انبیاست. شناخت، تبیین و تبلیغ دین در سطح خود، پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و مشکلات فکری و درنهایت پیاده کردن تعالیم حیات‌بخش اسلام، بر عهده معلمان است. امروز، با تحقق انقلاب اسلامی و فراهم آمدن زمینه حاکمیت قوانین الهی و روی آوردن نسل‌ها به شناخت راستین اسلام و پذیرش آن، پدید آمدن امکانات عظیم مادی و معنوی، مسؤولیت معلمین سنگین‌تر و حساس‌تر از گذشته شده و قلمرو فعالیت‌هایشان، به مراتب گسترده‌تر شده است.

براساس این نوع نگاه می‌توان گفت که معلم در جامعه اسلامی از جایگاهی ویژه برخوردار است به طوری که آن‌ها ورثه انبیاء به شمار می‌روند و عمل آن‌ها در نزد مردم از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است؛ و نباید با نگاه کارمندی به معلم جایگاه او را تنزل داده و عزت و احترامی که در آیات و روایات برای معلم بیان شده نادیده گرفته شود. شاید دلیل اصلی نادیده گرفته شدن جایگاه معلم نسبت به حرفه‌اش این باشد که در فرهنگ ما، معلم را در حکم یکی از عوامل اصلی دانش‌تلقی نمی‌کنیم و همین امر سبب آشکار نشدن جایگاه او در توسعه دانش گردیده است. از این رو لازم است یک بازنگری اساسی در خصوص جایگاه و حرفه‌ای که معلم دارد داشته باشیم تا بر اساس آن بتوانیم الگوی ارتباطی مطلوب ارائه دهیم.

۲. ویژگی‌های دوره دانش‌آموزی

در این بخش نیز با توجه به اینکه مخاطب معلم در ارتباطات دانش‌آموزان هستند



ویژگی‌های این دوره سنی از دیدگاه آیت‌الله جوادی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ زیرا معلم برای داشتن ارتباط متعالی و مطلوب با آنان، شایسته است به ویژگی‌های سنی، جنسی، اخلاقی، اجتماعی و... توجه داشته باشد. در جامعه ما دوران دانش‌آموزی با دوره نوجوانی همراه است و نوجوانی نیز ویژگی‌های خاص خود را دارد. آیت‌الله جوادی نیز بر اهمیت این دوره در تعلیم و تربیت تأکید می‌کنند و بر این باورند که فهم ظرفیت‌های اندیشه‌ای و انگیزه‌های نوجوانان می‌تواند در ارتباط مطلوب داشتن با آن‌ها کمک شایانی بکند؛ بنابراین در ادامه به دو ویژگی مهم دوران نوجوانی در بخش اندیشه و انگیزه از منظر ایشان اشاره می‌کنیم.

۳. اندیشه‌ای: دوره پذیرندگی و انعطاف‌پذیری

آیت‌الله جوادی براساس روایات معتقدند «قلب جوان، مانند زمین خالی است که هر کس آن را احیا کند مالک آن می‌شود: «من أحيأ أرضاً مواتاً فهي له»؛ «قلب و مغز و فکر جوان و نوجوان مانند زمین موات است، هر آنچه در آن کاشته شود، به سرعت می‌روید و نتیجه می‌بخشد و بر اساس حدیث نبوی «من أحيأ أرضاً ميتة فهي له» احیای «زمینه» مانند آباد کردن «زمین» سبب تسلط بر آن دل می‌شود و دل انسان از آن کسی است که طرز تفکری را در آن بیفکند». (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۲: ۲۶۷)

حضرت علی علیه السلام فرموده است: دل نوجوان مانند زمین آماده‌ای است که از هر سبزه و گیاه خالی باشد، هر بذری که در آن افشاندن شود می‌پذیرد و در آغوش خود به خوبی می‌پرورد.^۱ همه این تعابیر گویای انعطاف‌پذیری در این دوره سنی است. توجه به این ویژگی در ارتباط با دانش‌آموزان می‌تواند در سرنوشت آینده او اثرگذار باشد.

«اگر انسانی که با فطرت پاک آفریده شد، به دست انسان‌های معصوم (علیهم‌السلام) شبیه فرشته نشود، دشمنان دین، او را به صورت گول و اهریمن درمی‌آورند. جامعه، مخصوصاً



۱. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: و انما قلب الحدث كالارض الخالية ما القى فيها من شئ، قبلته. (نهج البلاغه: ۹۰۳)

نسل نو و جوان، قابل صورت‌های گونه‌گون است که اگر اولیای منزل و مدرسه هنرمندی کنند و آن را به عقل و عدل بیارایند، زیبا می‌شود و گرنه دیگری از آن‌ها اهریمن می‌سازد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب ۳: ۳۲۲) به عبارتی دیگر، نوجوانی دورانی است که در آن بسیاری از قابلیت‌ها و توانایی‌های نوجوان ناشکفته است؛ آنان هنوز نوش و نیش دنیا، تلخ و شیرین و سرد و گرم زندگی را نچشیده‌اند و برای پویدن راه زندگی آینده و درک از خود، قابلیت‌ها و بایدها و نبایدها، نیازمند آگاهی‌های بی‌شماری هستند. (ضرابی، ۱۳۸۸: ۲۲۷)

۴. انگیزه‌ای: دوره هیجان

از منظر آیت‌الله جوادی نوجوانی دوره هیجان و مرحله‌ای است که در آن، سرگرمی جایگزین بازی می‌شود و انسان به دنبال سرگرمی‌ها رفته، از مسائل جدی بازمی‌ماند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب ۲: ۶۴)

انسان در کودکی به «لعب» مشغول است و در نوجوانی به «لهو» می‌پردازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۳۲۰)

«جوان و نوجوان کم‌کم به سوی عاقل شدن می‌روند و در میان‌سالی به کمال عقل می‌رسند، حال آنکه شهوت و غضب در جوانی کامل شده‌اند، پس این جنگ نابرابر است، از این رو گفته‌اند کودکان خویش را از اول با تربیت صحیح پرورش دهید؛ پس از تولد و قبل از آنکه صدای دیگری را بشنوند، اذان و اقامه را در گوش آنان بخوانید - این دستور نشانه اثرپذیری کودکان نوزاد است - سپس در هر فعل و سخنی راه صحیح را به آنان بیاموزید تا در سن بلوغ آمادگی دفاع در برابر نیروی شهوت و غضب را داشته باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۹۴)

فرزندان کنونی که آینده‌سازان مملکت‌اند، این‌ها بیش از آن مقدار که به اندیشه محتاج‌اند، به انگیزه نیازمندند و مسئولان بزرگوار امور پرورشی عهده‌دار پرورش این انگیزه‌اند. مسلماً اگر جوان یا نوجوانی در جامعه رها شود و ابزار و آلات مبتذل در برابر دل شفاف او قرار گیرد، ابتذال در دل او می‌تابد، پس حتماً باید انسان کامل باشد که افراد ناقص و خام از او بیان فراگیرند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ب ۳: ۲۶۲)



از این رو، اگر کودک را از هدایت دینی و تربیت الهی بازداریم، شیرین‌ترین آهنگ زندگی و زیباترین رنگ حیات انسانی را از او دریغ کرده و وی را از والاترین مقام آفرینش، یعنی عبودیت خدای سبحان بازداشته‌ایم. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

۵. الگوی ارتباطی معلم

با روشن شدن جایگاه معلم و دانش‌آموزان در اندیشه آیت‌الله جوادی، نوبت به اصل بحث پژوهش، یعنی ارائه الگوی مطلوب ارتباط معلم و دانش‌آموزان می‌رسد. ایشان، در الگوی ارتباط متعالی، قاعده‌ای را ارائه می‌دهد که با پایبندی و پیروی از آن، می‌توان انواع ارتباطات را سامان داد. این قاعده متشکل از دو مفهوم محوری است که بر اساس نوع ارتباط، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مختلفی پیدا می‌کند. در این نوشتار با توجه به اینکه طرفین ارتباط، معلم و دانش‌آموزان هستند، این دو مفهوم تبیین و به مؤلفه‌های هر کدام اشاره می‌شود.

ایشان، دو عنصر محوری در ارتباطات را عقلانیت و صداقت می‌دانند و معتقدند با این دو عنصر می‌توانیم ارتباطات را سامان دهیم. در ادامه به توضیح این دو مفهوم محوری در ارتباطات می‌پردازیم.

۶. عقلانیت

ایشان در تبیین معنای عقلانیت، از آن به حرف خوب زدن تعبیر می‌کنند. «حرف خوب زدن یعنی عالمانه و محققانه و دانشمندانه باشد، حرف خوب زدن را عقلانیت به عهده دارد، انسان تا مطلب برایش روشن نشود برهانی نشود، این مطلب را نه بنویسد و نه بگوید. حرف خوب زدن نه بیراهه رفتن است نه راه کسی را بستن». (جوادی آملی، بیانات در جمع اعضای دانشکده ارتباطات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴)

عقلانیتی که آیت‌الله جوادی مطرح می‌کنند بیشتر ناظر به محتوای ارتباط است. ایشان معتقدند محتوای ارتباط معلم با دانش‌آموزان باید عقلانی باشد یعنی دارای اتقان لازم باشد. با توجه به تبیین این عنصر محوری در ارتباطات، در ادامه به مؤلفه‌های آن در اندیشه آیت‌الله جوادی در ارتباط معلم با دانش‌آموزان می‌پردازیم.



الف (مؤلفه‌های عقلانیت در ارتباط معلم با دانش آموز

در زمینه عقلانیت آیت‌الله جوادی بیشتر به محتوای ارتباط و پیام تأکید می‌کنند و بر این باورند که محتوا باید عالمانه، محققانه و دانشمندانه باشد؛ و تا پیامی پایه علمی نداشته باشد بیان آن در جامعه و در ارتباطات موجب چالش و تنش خواهد شد؛ بنابراین عقلانیت که در این بخش به آن پرداخته می‌شود ناظر به کلام است یعنی کلامی که در رابطه با دانش‌آموزان باید مراعات نمود باید عقلانی باشد.

«ابزار دعوت و سلاح پیشرفت اسلام، کلام روشنگرانه است که با برهان و جدال احسن و حکمت و موعظه حسنه همراه است و حتی با تمثیل، حق را از باطل جدا و روشن می‌گرداند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۲: ۱۸۶)

حال سؤال این است که این پیام عقلانی دارای چه شاخصه‌هایی است به عبارت بهتر برای شناخت پیام عقلانی چه ملاک‌ها و معیارهایی وجود دارد. در این بخش به این مؤلفه‌ها و معیارها می‌پردازیم.

۱. علمی بودن محتوا

محتوای ارتباط معلم با دانش‌آموز باید صبغه علمی داشته باشد و از هرگونه سستی در کلام مصون باشد. قرآن کریم انسان را به قول سدید سفارش کرده است؛ نه قول شدید: ﴿وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾؛ محکم و متقن و سد گونه سخن بگویند. این در حیطة تعلیم و تعلم و مسائل علمی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ب ۳: ۳۳۴) از این تعبیر آیت‌الله جوادی این‌گونه برداشت می‌شود که منظور از محتوای علمی، محتوایی است برهانی و یا به‌مثابه برهان باشد و در این صورت محتوای ارتباط می‌تواند از موعظه و جدال احسن نیز برخوردار باشد چراکه این‌ها به‌مثابه برهان تلقی می‌شوند.

قرآن کریم سعی دارد هم از راه موعظه، که ارتباط تنگاتنگ و مستقیم با قلب و دل دارد، با انسان سخن بگوید و هم از راه حکمت که ارتباط غیرمستقیم با دل دارد، انسان را آموزش دهد؛ و اگر کانال عقل و فکر به دالان ورودی دل و ذکر نرسد، سودی ندارد. (جوادی



آملی، ۱۳۸۸، ب: ۲۷۳) بنابراین معلم اگر بخواهد با دانش آموز ارتباط متعالی داشته باشد باید هم از مقدمات برهانی که از طریق عقل حاصل می شود استفاده کند و هم از مقدمات مقبول مستفیض شود.

سخن حکیمانه همواره حق نما، روشنگر و برهانی قاطع است که پیوسته خود را به عقل حق طلب تحمیل می کند و آن را به کرنش و پذیرش وامی دارد، از این رو خدای سبحان در آیه ۱۲۵ سوره نحل بی هیچ قید و شرطی به استفاده از آن فرمان می دهد: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ﴾. در حالی که درباره موعظه تنها به بهره گیری از قسم نیکوی آن سفارش می کند: ﴿وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ﴾. این تقیید برای آن است که موعظه اگر «حسنه» نباشد، بی ثمر یا کم ثمر و احیاناً دارای تأثیر منفی خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، پ ۲: ۴۵۵)

کلمه حکمت با همه صورت های گوناگون خود، بیان گر معنای استواری و استحکام است. قرآن به موقع سخن می گوید، خوب سخن می گوید، سخن خوب می گوید و در کنار آن برهان و دلیل می آورد. سخن بی برهان، متزلزل و فروریختنی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، الف: ۵۴)

«خدای سبحان از مؤمنان و پیروان ادیان آسمانی خواسته است که هم سخن محکم و متقن بگویند: ﴿وقولوا قولاً سدیداً﴾ و هم سخن نرم: ﴿فقولوا له قولاً لئیناً﴾. سخن محکم و نرم با یکدیگر تنافی ندارند، چون اتقان آن راجع به محتوای برهانی آن است و نرم بودن آن ناظر به ادبیات محاوره و تعبیر مهربانانه و کلمات مهرآمیز با آهنگ عاطفی (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۲: ۴۳۸)

بنابراین معلم نیز اگر بخواهد ارتباط مستمری با دانش آموزان داشته باشد باید از سخنان بی پایه و اساس که صبغه علمی و برهانی ندارند بپرهیزد و در راستای تقویت اندیشه دانش آموز، محتوای محکم و خوبی ارائه کند. به عبارتی دیگر معلم هرچقدر برهانی حرف بزند یا در مقام برهان از موعظه و جدال احسن استفاده کند به همان میزان دانش آموز را رشد خواهد داد و همین امر سبب استمرار یا قطع رابطه او با دانش آموزان خواهد بود؛ بنابراین



پیامی که قرار است با دانش‌آموزان به اشتراک گذاشته شود، اگر صبغه علمی و برهانی داشته باشد علاوه بر غنای محتوای پیام می‌تواند در ارتباط مطلوب آن‌ها اثرگذار باشد.

۲. یقینی بودن محتوا

از جمله مؤلفه‌های عقلانیت قطعیت و یقین داشتن به محتوای پیام و ارتباط است یقین به محتوا داشتن، اعتبار گوینده را ارتقاء می‌بخشد و موجب می‌شود دیگران به او اعتماد پیدا کنند. در اندیشه آیت‌الله جوادی، حرف خوب باید دارای اتقان لازم باشد. ایشان محتوای یقینی را این‌چنین تعریف می‌کنند: «یقین» همان جزم مطابق با واقع است؛ یعنی معرفت به گونه‌ای است که چون مطابق با واقع است جهل در آن راه ندارد و چون تردید پذیر نیست، جزمی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۵۱). یقین آن است که شبهه پذیر و نیز زوال‌پذیر نباشد. به این مرحله از معرفت، «یقین» گفته می‌شود. (همان) بنابراین تعریف، معلم نیز در ارتباط با دانش‌آموزان باید از محتوایی استفاده کند که به آن یقین دارد در غیر این صورت، (در صورت شک و گمان) ارتباط را دچار تنش می‌کند.

آیات قرآن نیز در راستای ارائه محتوای یقینی انسان را به این امر سفارش می‌کند: ﴿لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (اسراء: ۳۵)؛ انجام دادن هر کار، باید بر اساس علم استوار باشد، ﴿إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾ (یونس: ۳۶)؛ هر گمانی جای علم را نمی‌گیرد؛ از این رو تنها ظن خاص، معتبر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۲: ۳۴۷) آیات فراوانی در این زمینه نازل شده است که ظن را چون تخمین دانسته، پیروی از آن را ضلالت می‌خواند و گمان‌مداری را همراه با هواپرستی محکوم می‌کند. چون از صورت‌های فاقد شرایط انتاج هرگز جزم حاصل نمی‌شود و از ماده‌های ظنی هرگز یقین پدید نمی‌آید. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۸)

آیت‌الله جوادی معتقدند سیره انبیاء هم در ارتباط با مردم، استفاده از محتوای یقینی بوده و همواره می‌کوشیدند تا جز با یقین و علم سخن نگویند و دیگران را به تحصیل جزم و یقین ترغیب می‌کردند و به خطر ظن و تخمین هشدار می‌دادند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ب ۱: ۸۴)



معلم نیز در ارتباط با دانش آموز باید از یقین های علمی استفاده کند تا اعتماد دانش آموز را به خود جلب کند و در نتیجه ارتباط مستمر و متعالی ای داشته باشند.

۳. توحیدی بودن محتوا

معلم در ارتباط با دانش آموزان باید جهت گیری ارتباطش توحیدی باشد به این معنا که محتوای ارتباط باید به گونه ای باشد که دانش آموز را متوجه خالق هستی بکند و نه اینکه متوجه خود معلم بکند.

سخنی که به خدا دعوت نکند یا گوینده آن به گفتار خود معتقد نباشد و رفتار و منطق او با دعوتش تطبیق نکند، شایسته پیروی نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۲) پیام، وقتی ماندگار است که محتوای آن صبغه نامه خصوصی نداشته باشد که سریعاً تاریخ مصرف آن سپری گردد؛ بلکه آمیزه صحیفه الهی باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۶) بنابراین معلم نیز در محتوایی که با دانش آموز در میان می گذارد باید زمینه خداشناسی را فراهم نماید و این محقق نمی شود مگر اینکه جهت گیری محتوایش توحیدی باشد. به عبارت دیگر، معلمی که محتوای ارتباطش توحیدی نباشد ارتباط ماندگاری با دانش آموز نخواهد داشت و ارتباطش در حد همان انتقال اطلاعات و یافته هایش هست اما چنانچه در راستای خداباوری باشد دانش آموز را با فطرت خودش آشنا می کند و دانش آموز در این دوران بیشتر اندیشه ها را می پذیرد چراکه هنوز فاصله زیادی از فطرت خویش نگرفته و هنوز آلودگی های طبیعت در او اثر قابل توجهی نگذاشته است.

آیت الله جوادی معتقدند که اگر معلمین بر اساس فطرت دانش آموزان ارائه محتوا داشته باشند آن محتوا چون الهی است برای دانش آموز فطرتاً قابل پذیرش است: «تلاش و کوشش شما اولاً این هست که حرف های الهی می زنیید حرف هایی که برای این کودکان آشناست اینکه دانش آموزان سر تکان می دهند تصدیق می کنند یعنی حق با شماست ما این حرف ها را قبلاً خواندیم.» (سخنرانی در جمع معلمین، مدیریت آثار الکترونیک، ش ۶۳۱)

«صدای انبیا و اولیا به وسیله شما آقایان به کودکان می رسد صدایی که برای گوش آنها آشنا است شما سخنانی می گوید که این بچه ها قبلاً شنیده اند و الآن که می شنوند به یاد



همان عالم می‌افتند»

«شما برادران بزرگوار کار اساسی‌تان در تعالیم مذهبی آن است که آنچه در دل‌های این‌هاست آن را افروخته کنید؛ زیرا آن‌ها که اکنون در خدمت شما هستند حدیث العہد بالفطرہ‌اند». (همان)

۴. متناسب با نیاز دانش آموز

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که لازمه عقلانیت است و مراعات آن موجب ارتباط مطلوب می‌شود این است که محتوای ارتباط متناسب با نیازهای دانش‌آموزان باشد؛ بنابراین محتوای ارتباط باید متناسب با قدرت فراگیری، طرز تفکر، شایستگی، فرهنگ و پرسش‌های اصلی دانش‌آموزان تنظیم شود. نیازسنجی در ایجاد و تقویت ارتباط به قدری مهم است که تمام پیامبران الهی در راه تبلیغ دین مأموریت یافته‌اند که به این امر مهم توجه نشان دهند. معلم نیز باید بداند با چه طبقه‌ای سخن می‌گوید، مخاطبان از چه سطحی از دانش برخوردارند و دارای چه بینشی با سطح علمی و سنخ گرایشی هستند و چه پرسش‌هایی در خاطر آن‌ها وجود دارد؛ توجه به نکاتی چون: سن، جنس، سطح، تحصیلات، ویژگی‌های روحی و روانی دانش‌آموزان و توجه به زمان و مکان ارتباط می‌تواند معلم را در شناسایی نیاز دانش‌آموزان و ارائه محتوا بر اساس این معیارها کمک شایانی کند.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید با مردم با گفتار زیبا سخن بگویند آیت‌الله جوادی در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «مراد از «سخن نیک» در آیه ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (بقره: ۸۳)؛ سخنی نیست که خوشایند دیگران باشد، بلکه مراد آن است که محتوای آن سخن به مصلحت آنان و روش آن مقبول و دلپذیر باشد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۶۴) با توجه به این آیه می‌توان نیازسنجی و مصلحت در محتوای ارتباط را در همه ارتباطات اجتماعی به‌ویژه در ارتباط با دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های عقلانیت به حساب آورد.

۵. حق بودن محتوا

یکی از مؤلفه‌های عقلانیت در اندیشه آیت‌الله جوادی حق محوری است؛ به این معنا



که حرف خوب باید حق باشد چه بسا حرفی که زیبا و دل‌نشین است اما از حق و حقیقت فاصله زیادی دارد. ایشان معتقدند در ارتباط معلم با دانش‌آموز پیام یا محتوا باید حق باشد و معلم نیز بایستی از کتمان علم بپرهیزد و در هر شرایطی مدافع حق باشد.

«حق محوری، از بنیان‌های محکم دین اسلام است. این امر به قدری مورد توجه اسلام است که هر چیز مهم و اساسی در دین به حقیقت و حقانیت منتسب شده است. خداوند در قرآن کریم، دین خود را با واژه‌ی «حق»، وصف کرده است؛ ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ﴾ (توبه: ۳۳) (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۸۲)

معلم ابتدا باید حق را بشناسد و سپس بر اساس آن با دانش‌آموزان ارتباط بگیرد: امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «فَاعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفَ أَهْلَهُ»؛ «اگر خواستید با اهل حق آشنا شوید، ابتدا خود حق را بشناسید و به آن معرفت پیدا کنید» وگرنه کسی که بخواهد پیش از شناخت حق، به سراغ افراد و شخصیت‌ها برود و سخن آنان را معیار حق و باطل قرار دهد، مطابق فرموده امام صادق علیه السلام امروز با سخن شخصیتی در دین داخل می‌شود و فردا با گفته شخصیت دیگر از دین خارج می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۰۶)

اگر محتوای ارتباط از حق تهی باشد ارتباط متعالی رخ نمی‌دهد و نتیجه‌ای جز ضلالت نخواهد داشت. مقابل حق جز ضلالت چیز دیگری نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۱۲۱)

نتیجه ارتباطی که محتوای آن حق باشد با ارتباطی که محتوای باطلی دارد یکی نخواهد بود چراکه «دو طریق حق و باطل به نتیجه واحدی منتهی نخواهد شد، نتیجه یکی انحطاط و اثر دیگری اعتلاست؛ یکی شقاوت و دیگری سعادت، یکی نار و دیگری نور. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف ۱: ۱۸۱)

۶. مفید برای دانش‌آموزان

عقلانیت اقتضا می‌کند معلم در ارتباطش با دانش‌آموز از محتوای مفید و سودمند به حال دانش‌آموز استفاده کند و از مطالبی که بیان کردن آن تلف کردن اوقات دانش‌آموز است پرهیز کند.



پیامبر (ص) فرمود: در قیامت زبان دچار عذابی می‌شود که هیچ‌یک از اعضای بدن آن چنان عذاب نمی‌شود، پس زبان می‌گوید: پروردگارا! چرا مرا چنان می‌کنی که هیچ عضوی چنین عذاب ندیده است؟ به او گفته می‌شود که کلمه‌ای از تو بیرون آمد و در شرق و غرب عالم به افراد رسید و به جهت همان کلمه، خون انسان محترمی ریخته و مال حلال به حرام گرفته و به ناموس مردم بی‌حرمتی شد، پس به عزتم سوگند حتماً تو را آن چنان عذاب می‌کنم که هیچ‌یک از اعضا و جوارح را چنان عذابی نکنم. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ پ ۱: ۶۷)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: تمام سخن فرزند آدم به زیان اوست نه سودش، مگر امر به امور خیر یا نهی از کارهای زشت یا ذکر خداوند متعالی که بر زبان جاری گردد^۱ (همان)

معلم‌ان جامعه اگر بخواهند با دانش‌آموزان ارتباط متعالی داشته باشند باید از محتوایی که مفید و خیر برای دانش‌آموزان است استفاده کنند و این زمانی اتفاق می‌افتد که معلم شاگردان خود را به منزله فرزندان خودش تلقی کند و آن‌ها را از محتوای سودمند بهره‌مند کند. در غیر این صورت اگرچه ممکن است ارتباط خوبی هم با دانش‌آموزان داشته باشد اما این ارتباط واقعی و حقیقی نخواهد بود و چه بسا تظاهر به خیرخواهی و مفید بودن داشته باشد.

۷. صداقت

تعبیر آیت‌الله جوادی درباره صداقت، خوب حرف زدن است، یعنی حرف خوب را به نحوی بیان کنی که شنونده تحت تأثیر پیام قرار بگیرد. چه بسا حرف خوبی که خوب بیان نمی‌شود در نتیجه ارتباط قطع می‌شود.

«خوب حرف زدن یعنی هنرمندانه حرف زدن و ادب در گفتار.» (جوادی آملی، بیانات در جمع اعضای دانشکده ارتباطات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴)

به عبارتی دیگر «خوب حرف زدن به رعایت آداب فصاحت، بلاغت و رعایت نکات ادبی

۱. کلام ابن آدم کله علیه لا له إلا امرأ بمعروف أو نهياً عن منکر أو ذکرأ لله تعالی.

و ادب است». (همان)

طبق این تعریفی که آیت‌الله جوادی می‌کنند می‌توان تمام مواردی که به نوعی به جاذبه پیام و تأثیر آن در دانش‌آموزان می‌شود زیر مجموعه مفهوم صداقت دانست؛ چراکه این‌ها موجب می‌شود پیامی که به دانش‌آموزان ارائه می‌شود به نحو مطلوب بیان شود.

آیت‌الله جوادی برای روشن شدن بحث مثالی را عنوان می‌کنند که در تبیین مفهوم عقلانیت و صداقت کمک شایانی می‌کند. ایشان صداقت را به مثابه یک ظرف بلورین می‌دانند که آب گوارا در داخل این ظرف خودنمایی می‌کند و موجب می‌شود کسی که تشنه آب است اشتیاق بیشتری به نوشیدن و سیراب شدن داشته باشد. ایشان عقلانیت را به عنوان محتوای پیام در نظر می‌گیرد و معتقد است این حرف خوب عقلانی، باید ظرف خوبی هم داشته باشد تا ارائه شود؛ اگر شما آب گوارا را در ظرف کثیفی بریزید و به کسی که تشنه است بدهید او تمایلی به خوردن نخواهد داشت؛ بنابراین حرف خوب را باید در ظرف خوب ارائه کرد. (همان)

ب) مؤلفه‌های صداقت در ارتباط معلم با دانش‌آموز

۱. استفاده از علوم ادبی

الف) فصاحت بیان

فصاحت آن است که متکلم مقاصد خود را با تعابیر و واژه‌های روان و فصیح بیان نماید و این خصوصیت در او به صورت ملکه درآمده باشد؛ لذا در تعریف آن چنین گفته‌اند: آن ملکه‌ای است که به کمک آن می‌توان مقصود را به لفظی فصیح بازگفت (مطول: ۱۹ و ۲۰، مختصر المعانی: ۸-۹، جواهر البلاغه: ۱۱-۲۲)

آیت‌الله جوادی نیز با اشاره به این مطلب آن را یکی از مصادیق صداقت به شمار می‌آورند: «خوب حرف زدن به رعایت آداب فصاحت، بلاغت و رعایت نکات ادبی و ادب است و حرف خوب زدن حرف مبرهن زدن است.» (جوادی آملی، در جمع اعضای دانشکده ارتباطات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴)

«فصاحت گفتار، در ابلاغ پیام‌های الهی سهم مؤثر دارد. انسان ممکن است حرف



خوب بزند، اما نتواند خوب حرف بزند. اگر کسی بتواند خوب حرف بزند و حرف خوب بزند، گفتارش مؤثرتر است. موسای کلیم می‌گوید: برادرم از من فصیح‌تر است: او را به‌عنوان کمک و معینی که مرا تصدیق کند ارسال کن: «هو أفصح مني لساناً فأرسله معي رداءً يصدقني» مبلغ الهی هر چه شیواتر سخن بگوید پیام او دل‌پذیرتر و دل‌نشین‌تر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب ۱: ۱۶۹) معلم نیز در ارتباط با دانش‌آموزان باید این‌گونه (فصیح) باشد. ممکن است علم معلم و اطلاعات حرفه‌ای‌اش بالا باشد اما بیان فصیحی برای ارائه مطالب نداشته باشد. همین عامل سبب می‌شود در ارتباط با دانش‌آموزان دچار چالش شود و دانش‌آموزان از نحوه ارائه معلم به ستوه آمده و خسته شوند.

«اگر ما عصای موسا را هم داشته باشیم ید بیضا را هم داشته باشیم یک بیان فصیح لازم است فصاحت بیان هم در این دو عنصر اساسی است هم خوب حرف زدن هم حرف خوب زدن» (همان)

آیت‌الله جوادی فصاحت بیان را با تعابیر مختلف بیان می‌کند یکی از آن تعابیر هنرمندانه حرف زدن است از نظر ایشان هنرمند کسی است که این دو عنصر اساسی (حرف خوب زدن و خوب حرف زدن) ارتباط را مراعات نماید؛ یعنی در عین عقلانیت، صداقت هم داشته باشد. اگر معلم هم‌چنین باشد، زمینه ارتباط مطلوب را فراهم کرده است و توانسته است هنرمندی خود را به منصفه ظهور برساند.

«اگر کسی حرف خوب می‌زند ولی خوب حرف نمی‌زند هنر ندارد کسی خوب حرف می‌زند ولی حرف خوب نمی‌زند هنر ندارد... اگر کسی بین فضیلتین جمع کرد یعنی توانست هم خوب حرف بزند هم حرف خوب بزند این هنر تعلیم دارد هنر تبلیغ دارد هنر تألیف دارد هنر تدوین دارد بیان و بنانش هنرمندانه است.» (جوادی آملی، در دیدار با اعضای موسسه آینده روشن، ۱۳۹۱/۲/۳۰)

بر این اساس، معلم هنرمند کسی است که بتواند محتوای قابل‌ارائه را با استفاده از زیبایی‌های خاصی در قالب بیان ارائه نماید به‌طوری‌که برای دانش‌آموز قابل‌پذیرش باشد.



ب) بلاغت در کلام

یکی از مصادیق خوب حرف زدن یا صداقت در اندیشه آیت‌الله جوادی بلاغت در کلام است؛ در تعریف بلاغت در کلام چنین گفته‌اند: آن عبارت است از مطابقت کلام با مقتضای حال همراه فصاحت آن (مطول: ۱۹ و ۲۰؛ مختصرالمعانی: ۸-۹؛ جواهر البلاغه: ۱۱-۲۲) یعنی علاوه بر اینکه کلام باید فصیح باشد، باید با مقتضای حال نیز تطابق داشته باشد.

متکلم بلیغ هماهنگ با نیاز مخاطب سخن می‌گوید و این فضیلت (بلاغت) غیر از جریان تعادل میان عرضه و تقاضاست... تولید، ابتکار، فناوری، تکلم ادبی، اخلاقی و مانند آن، اگر مطابق با نیازهای معقول و مقبول جامعه باشند، بلاغت صنفی، ادبی، اخلاقی و نظیر آن هستند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴: ۳۳۷)

از این رو معلم باید با توجه به تغییرات و مقتضیات زمانی با دانش‌آموزان ارتباط برقرار کند و در ارتباط با آن‌ها نیازها و انتظارات معقول و مقبول آن‌ها را مورد توجه قرار بدهد. «خوب حرف زدن به رعایت آداب فصاحت، بلاغت و رعایت نکات ادبی و ادب است»^۱.

فصاحت، هنری است که بر محور لفظ و صوت بیرون آمده از دهان و زبان و دندان می‌چرخد، اما بلاغت ذاتاً از اوصاف معانی است و سپس عارض لفظ می‌شود؛ یعنی بلاغت بر محور عقل و عقلیات و نفس و نفسیات و معانی می‌گردد و به قضایای معقول تعلق دارد؛ برخلاف فصاحت که رویکردش بر قضایای لفظی است. پس عالم لفظ (فصاحت) چون بر پایه حروف لفظی است محدود است، اما عالم معنا (بلاغت) بر صورت‌های ذهنی و شئون روحی و خاطرات نفسانی استوار است. از این رو، نامحدود است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۱۰)

برای بلیغ شدن، باید نخست معانی و معارف درستی را درک نمود و سپس آن را در بهترین الفاظ و شیواترین قالب لفظی ریخت. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ج ۴: ۱۳۴)



۱. جوادی آملی، در جمع اعضای دانشکده ارتباطات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴

گوینده‌ای که بدون رعایت بلاغت، بیش از ظرفیت و استعداد مخاطب سخن می‌گوید، تنها ثمره‌اش ضایع کردن وقت خود و شنونده است؛ زیرا نه مخاطب بهره‌ای از آن می‌برد و نه خودش نسبت به آن اجر تعلیم دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، پ، ج ۲: ۱۸۴) بنابراین معلم نیز با رعایت بلاغت ارتباطی باید بر اساس ظرفیت‌ها و نیازهای دانش‌آموزان با آنان سخن بگویند به عبارت دیگر از محتواهایی استفاده کنند که نیاز واقعی و حقیقی دانش‌آموزان باشد و از بیان مطالبی که مقتضای آموزش و سن آن‌ها نیست پرهیز کند و بداند که هر سخن جانی و هر نکته مکانی دارد.

۲. مراعات اخلاق و ادب

الف) ادب در گفتار

رعایت ادب در گفتار برای معلمین یک ضرورت است، معلم هر قدر زیبا و مستدل سخن بگوید کافی است یک واژه قبیح و با بار منفی بکار ببرد، در این صورت همه کلام و ارتباط او تحت الشعاع قرار می‌گیرد؛ و چه بسا مانع ارتباط مطلوب باشد؛ اما اگر ارتباط با دانش‌آموز چه به صورت کلامی و چه به صورت غیرکلامی، همراه با ادب و احترام باشد دانش‌آموزان احساس شخصیت می‌کنند و به ادب معلم پی می‌برند و این خود سبب ارتباط مطلوب می‌شود.

«خوب حرف زدن یعنی ادب در گفتار، یعنی وقتی انسان با ادب حرف بزند همین جاذبه دارد»^۱.

«ادب، ظرافت ویژه در گفتار، کردار و رفتار است. موادّ خامی که ممکن است به گونه‌های متفاوت در قول، فعل و روش، ارائه گردد، اگر با زیبایی خاص و هنر مخصوص تجلّی یابد، همراه با ادب خواهد بود.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، الف ۳: ۴۷) «ادب کلام نمایانگر ادب و اخلاق متکلم است». (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۵) «رعایت ادب و اخلاق نیک در معاشرت با مردم از تعالیم عمومی قرآن کریم است: ﴿قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (جوادی آملی،

۱. جوادی آملی، در جمع اعضای دانشکده ارتباطات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴

۱۳۸۹، ج ۱۷: ۳۳۳)

بهترین مصداق ادب با خلق این تعبیر خداوند به پیامبر (ص) است: ﴿وَأَنْتَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ

عَظِيمٍ﴾ (جوادی آملی، ۱۳۸۹ پ ۱: ۷۸)

بنابراین یکی از ارزش‌های اخلاقی، به هنگام سخن گفتن، رعایت ادب است که قرآن نسبت به آن تأکید کرده است: ﴿وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ منظور از قول کریم در این آیه، همان سخن مؤدبانه است. ادب، در همه جا، در رفتار و گفتار، مطلوب است و معلم نیز در ارتباط خود با دانش‌آموزان باید به این نکته توجه داشته باشد.

ب) تلقی دانش‌آموز به منزله فرزند

در نگاه دینی وقتی معلم به منزله پدر محسوب می‌شود؛ دانش‌آموز و دانشجو نیز به مثابه فرزند برای معلم تلقی می‌شود. بنابراین معلم نیز باید شاگردانش را به منزله فرزند در نظر بگیرد و آنچه را که برای فرزندانش مطلوب می‌داند برای شاگردانش نیز مطلوب بداند.

معلم در ارتباط با دانش‌آموز باید همچون پدری دلسوز باشد به گونه‌ای که دانش‌آموز معلم را به عنوان تکیه‌گاه تلقی کند و مورد اعتماد دانش‌آموز باشد. همچنین معلم باید مانند پدر رفیق دانش‌آموزان باشد تا آن‌ها معلم را به عنوان حامی بدانند و در مسائل مختلف با او به مشورت بپردازند.

رابطه استاد و شاگرد رابطه پدر و فرزند است؛ یعنی شاگرد به منزله فرزند روحانی استاد است، (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف ۵: ۷۴) بر این اساس، معلم باید هر آنچه خود خواهان آن است برای دانش‌آموزان خود نیز بخواهد و هرگونه شر و بدی که برای خود نمی‌پسندد برای شاگردانش نیز نپسندد. چون این‌گونه برابرندیشی نمایانگر ایمان کامل و روح تعاون و همبستگی معلم نسبت به دانش‌آموزان است. از سوی دیگر، تفقد از احوال دانش‌آموزان از حس شفقت و دلسوزی معلم ریشه می‌گیرد. مثلاً اگر یکی از دانش‌آموزان در کلاس حاضر نشد و غیبت او طولانی و غیرعادی گشت، معلم باید از احوال او پرس و جو کند و علت غیبت او را جویا شود.



پیش‌نویس نشریه «بیت» شماره دوم، بهار ۱۳۸۳



ج) مراعات تفاوت‌های فردی

تفاوت‌های فردی یکی از ویژگی‌هایی است که انسان‌ها به سبب آن از همدیگر متمایز می‌گردند. این تفاوت‌ها ممکن است در جسم یا عقل یا اخلاق یا موقعیت اجتماعی انسان‌ها باشد. این تفاوت‌ها اقتضای حکمت الهی است و در قرآن به این تفاوت‌ها و اختلاف‌ها و ضرورت توجه به آن‌ها چنین اشاره کرده است. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافُ اللَّسِنَتِكُمْ وَاللَّوَانِكُمْ اِنَّ فِى ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعٰلَمِیْنَ﴾ (روم: ۲۲)

همچنین قرآن اشاره می‌کند که تکلیف هر یک از انسان‌ها بر اساس توانایی‌شان است ﴿لَا یُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِیًّا وُسْعَهَا﴾ (بقره: ۲۸۶) از منظر آیت‌الله جوادی نخستین معلّم و مفسّر قرآن کریم وجود مبارک رسول خدا ﷺ است که فراخور فهم مردم، برای برخی از آن‌ها ظواهر آیات و برای بعضی باطن و عمق آن‌ها را تفسیر و تبیین می‌کردند: ﴿یُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ﴾ (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۲۲۹)

به عبارت دیگر سنت همه انبیاء و اولیاء الهی، این بود که با مردم به مقدار ادراک آن‌ها سخن می‌گفتند؛ «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِیَاءِ نَكَلِّمُ النَّاسَ عَلٰی قَدْرِ عَقُولِهِمْ» (همان) از این رو معلّم نیز به عنوان ادامه‌دهنده راه انبیاء باید تفاوت‌های فردی مخاطبان را در ارتباط با آن‌ها در نظر بگیرد.

براساس این آیات و روایات روشن است که هر یک از دانش‌آموزان و متعلمین دارای استعداد‌های خاصی هستند و بر معلّم لازم است تا به اندازه فهم و عقل آن‌ها سخن بگوید و مطالبی را که خارج از توانایی دانش‌آموزان است مطرح ننماید؛ بنابراین معلّمان باید تفاوت‌های دانش‌آموزان در استعدادها، بهره‌های هوشی، توانمندی و... را مدنظر قرار دهند و انتظار نداشته باشند که همه در یک سطح باشند و رفتارشان هم دقیقاً مانند یکدیگر باشد. معلّم باید با هر یک از شاگردان برحسب میزان فهم و استعداد آن‌ها سخن گوید و بر مبنای توجه به اختلافات فردی و استعداد‌های گوناگون شاگردان به تعلیم آن‌ها بپردازد.



د) برخورد عادلانه و منصفانه با دانش آموزان

از آدابی که رعایت آن در آموزش لازم است و آثار تربیتی و آموزشی زیادی دارد و عدم آن نیز آثار زیانباری بر جای می‌گذارد، این است که باید عدالت را بین دانش‌آموزان از هر نظر رعایت کرد و بی‌دلیل بین آنان تفاوت قائل نشد. عدالت در نگاه کردن به آنان، در پرسش و پاسخ، در تشویق و پاداش و مانند آن‌ها...

پیامبر اکرم (ص) در توصیف دورترین مردم از خداوند دو گروه را معرفی نمود و در توضیح گروه دوم فرمود: «و مُعَلِّمُ الصَّبِيَانِ لَا يُوَسِّى بَيْنَهُمْ وَ لَا يُرَاقِبُ اللهُ فِي الْيَتِيمِ» و معلم کودکان که در میان آنان به عدالت رفتار نمی‌کنند و در مورد یتیم خدا را در نظر نمی‌گیرد.

آیت‌الله جوادی بر این باورند که خلق عظیم، نسبت به مؤمنان رفتاری نرم و رحمانی می‌طلبد: ﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾؛ لیکن نرمی رفتار به معنای سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی (تسامح و تساهل) نیست، بلکه نرمی رفتار به همراه رفتار عادلانه و معتدلانه است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶: ۱۵۰)

معلم نباید در اظهار محبت، توجه و التفات به شاگردان، در صورتی که از لحاظ سن، فضیلت و دین‌داری باهم برابر باشند تبعیض و تفاوتی قائل شود. زیرا تبعیض و عدم رعایت مساوات در محبت و توجه به آن‌ها موجب ناراحتی روانی و دل‌زدگی آن‌ها از یکدیگر می‌گردد. ولی اگر بعضی از شاگردان از لحاظ تحصیل، کوشش و ادب بر دیگران مزیت داشته باشند، چنانچه معلم از آن‌ها احترام خاصی به عمل آورد و آنان را از لحاظ محبت و احترام بر دیگران ترجیح دهد و البته علت احترام و تقدیر را هم بیان کند، در این صورت تبعیض و تفاوت میان شاگردان مانعی ندارد، زیرا تقدیر و احترام به شاگردان کوشا و بانزاکت عامل مؤثری در ایجاد تحرک و انگیزه‌ی مفیدی است که آنان و نیز سایر شاگردان را وادار می‌سازد تا در اتصاف به چنین صفات مطلوبی سعی و کوشش نمایند.

ح) برخورد نرم و صبر بر ناملايمات



پژوهش‌های علمی و پژوهشی در تعلیم و تربیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۳۳



معلمی از رسالت‌های بسیار سخت و دشواری است و دستیابی به نتیجه در امور سخت نیازمند صبر و پشتکار است. امام سجاد علیه السلام درباره حقوق دانش‌آموز بر معلم در فرازی می‌فرماید: اگر به شاگردانت خوب آموزش دهی و با آنان درشتی نکنی و از تعلیمشان به ستوه نیایی، خداوند از فضل خودش بر دانشت می‌افزاید.^۱

پیامبر (ص) می‌فرماید: باکسی که به او علم می‌آموزید و باکسی که از او علم فرامی‌گیرید، نرم و ملایم باشید (ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۳۹۷۷) بنابراین این حق دانش‌آموز است که از دلسوزی و مهربانی معلم بهره‌مند شود و این مهربانی ممکن است گاهی در شکل محبت و ابراز علاقه باشد و ممکن است به صورت سختگیری و جدی بودن معلم خودنمایی کند.

سخن گفتن از شایع‌ترین، بارزترین و مهم‌ترین مظاهر نرم‌خویی یا تندخویی انسان است. پس اگر خداوند از نرم‌خویی پیامبر، به‌عنوان یک صفت برجسته، که باعث جذب مردم می‌شود، سخن می‌گوید، می‌توانیم آن را بر ملایمت در گفتار، که گسترده‌ترین و عمیق‌ترین وسیله ارتباطات انسانی است و بیش‌ترین روابط اجتماعی انسان را شکل می‌دهد، حمل کنیم و به وارثان انبیای الهی نیز به تاسی از این فضیلت اخلاقی توصیه کنیم. آیت‌الله جوادی نیز با محور قرار دادن نرم‌خویی و محبت در عرصه تحقیق، تعلیم و تبلیغ بر این باورند که: «مؤمنان و مبلّغان دینی باکسانی که می‌خواهند به پذیرش دین نائل شوند یا با آن‌هایی که دین را پذیرفته‌اند و در مرحله اطاعت عملی‌اند، باید همواره برخوردی نرم و محبت‌آمیز داشته باشند و با ملاطفت و زبانی خوش‌سخن گویند.

«خدا خوش‌رویی و نرمی رفتار را از خصوصیات بارز نبی اکرم (ص) و رمز گرویدن مردم به ایشان دانسته، یادآور می‌شود که اگر این‌گونه رفتار نمی‌کردی و باروی خشن به‌سوی مردم می‌رفتی، آن‌ها از تو دوری می‌کردند؛ ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (همان) نیکو سخن گفتن و با نرمی رفتار کردن و از خشونت و درشتی در روش و

۱. «اما حق رعیتك بالعلم... فاذا أحسنت في تعليم الناس و لم تخرق بهم و لم تضجر عليهم زادك الله من فضله»

منش پرهیختن، در درجه‌ای از اهمیت است که به موسی و هارون امر می‌شود که با فرعون به نرمی سخن بگویند: ﴿قَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۸۵)

بنابراین پیشینه‌ای که در قرآن و احادیث در خصوص نرم‌خویی و محبت محوری در عرصه تعلیم بیان شد روشن می‌شود که زمانی که معلم به شاگردان خود ابراز محبت می‌نماید، رابطه عمیقی بین دو طرف شکل می‌گیرد و باعث می‌شود شاگرد به گفته‌های معلم گوش فرا دهد و در قبال تکالیف درسی احساس مسئولیت نماید. انسان به صورت ذاتی گرایش به محبت دارد و علاقه‌منداست به او توجه شود و دیگران به او مهر بورزند؛ بنابراین معلمان با ابراز محبت می‌توانند اعتماد فراگیران را به خود جلب کنند تا رابطه‌ای صمیمی بین آنان شکل گیرد.

منابع

۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، سروش هدایت ج ۱، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر اسرا.
۲. _____، (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسرا.
۳. _____، (۱۳۸۴)، حیات حقیقی انسان در قرآن، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسرا.
۴. _____، (۱۳۸۴)، وحی و نبوت در قرآن، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسرا.
۵. _____، (۱۳۸۵)، هدایت در قرآن، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسرا.
۶. _____، (۱۳۸۶)، مراحل اخلاق در قرآن، چاپ هفتم، قم: مرکز نشر اسرا.
۷. _____، (۱۳۸۷)، تسنیم، ج ۱۲، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسرا.
۸. _____، (۱۳۸۷)، دین‌شناسی، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر اسرا.
۹. _____، (۱۳۸۷)، نسبت دین و دنیا، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر اسرا.
۱۰. _____، (۱۳۸۸ الف ۲)، پیامبر رحمت، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسرا.
۱۱. _____، (۱۳۸۸ الف ۴)، قرآن در قرآن، چاپ هشتم، قم، مرکز نشر اسرا.
۱۲. _____، (۱۳۸۸ الف ۵)، نسیم اندیشه دفتر اول، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسرا.
۱۳. _____، (۱۳۸۸ ب)، زن در آئینه جلال و جمال، چاپ نوزدهم، قم، مرکز نشر اسرا.
۱۴. _____، (۱۳۸۸ پ)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر اسرا.
۱۵. _____، (۱۳۸۸)، تسنیم، ج ۱، چاپ هشتم، قم، مرکز نشر اسرا.
۱۶. _____، (۱۳۸۸)، تسنیم، ج ۱۶، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسرا.
۱۷. _____، (۱۳۸۸)، تسنیم، ج ۷، چاپ چهارم، قم، مرکز نشر اسرا.
۱۸. _____، (۱۳۸۹ الف)، همتایی قرآن و اهل بیت، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسرا.



۱۹. _____، (۱۳۸۹ ب ۱)، سیره پیامبران در قرآن، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر اسرا.
۲۰. _____، (۱۳۸۹ ب ۲)، دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج البلاغه، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر اسرا.
۲۱. _____، (۱۳۸۹ ب ۳)، تفسیر انسان به انسان، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر اسرا.
۲۲. _____، (۱۳۸۹ پ ۱)، ادب قضا در اسلام، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسرا.
۲۳. _____، (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۱۷، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسرا.
۲۴. _____، (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۱۰، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسرا.
۲۵. _____، (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۱۳، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسرا.
۲۶. _____، (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۱۸، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسرا.
۲۷. _____، (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۲۱، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسرا.
۲۸. _____، (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۲۲، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسرا.
۲۹. _____، (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۴، چاپ ششم، قم، مرکز نشر اسرا.
۳۰. _____، (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۵، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر اسرا.
۳۱. _____، (۱۳۹۰)، تسنیم، ج ۲۴، قم، مرکز نشر اسرا.
۳۲. بهشتی، محمد و ابوجعفری، مهدی و فقیهی، علی نقی و اعرافی، علیرضا، (۱۳۸۹)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران، سمت.
۳۳. پاکتچی، احمد، (۱۳۸۹)، روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۴. تفتازانی، مسعود بن عمر، (بی تا)، المطول، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ الف ۱)، حق و تکلیف در اسلام، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء.
۳۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ پ ۲)، ادب فنای مهربان، ج ۵، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء.
۳۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱/۱۲/۱۴)، بیانات در جمع اعضای دانشکده ارتباطات دانشگاه تهران، <http://portal.esra.ir>
۳۸. خان محمدی، کریم و حسینی، سیدعباس، (۱۳۹۳)، «الگوی ارتباطی روحانیت با نسل جوان از منظر آیت الله جوادی آملی»، مطالعات فرهنگ ارتباطات، ش ۲۷.
۳۹. داوودی، محمد، (۱۳۹۰)، نقش معلم در تربیت دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
۴۰. دیلمی، حسن بن محمد، (بی تا)، ارشاد القلوب، ترجمه سید عباس طباطبائی، قم، جامعه مدرسین.
۴۱. شهیدثانی العاملی، زین الدین، (۱۴۰۵)، منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۴۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (۱۳۸۶)، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴۳. الشریف، سیدرضی، (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه علی نقی فیض الاسلام، تهران، فیض الاسلام.
۴۴. شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۷)، فلسفه آموزش و پرورش، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۴۵. شعیری، محمد بن محمد، (بی تا)، جامع الأخبار، نجف، مطبوعه حیدریه.
۴۶. شهیدثانی العاملی، زین الدین، (۱۳۶۹)، منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



۴۷. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۴۸. ضرابی، عبدالرضا، (۱۳۸۸)، مجموعه مقالات تربیتی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۴۹. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۹)، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۸، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۵۰. مهدوی هزاوه، منصوره و ملکی، حسن و مهر محمدی، محمود و عباس پور، (۱۳۹۵)، «حیات طیبه، چشم اندازی برای تربیت کودکان: ارائه چارچوب مفهومی برای تبیین ویژگی‌های معلم دوره ابتدائی»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۴، دوره جدید، شماره ۳۰.
۵۱. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت.

